

نقد  
اقتصاد سیاسی

# تهی‌دستان: حاملان منفعل ایدئولوژی مسلط یا خالقان فعال زیست‌جهان‌های بدیل؟

درباره‌ی کتاب زندگی روزمره‌ی تهی‌دستان شهری، نوشته‌ی علیرضا صادقی



مهدی ابراهیمی

نقد اقتصاد سیاسی

آذرماه ۱۳۹۷

مطالعه‌ی فرودستان به مثابه پژوهش‌رهای بخش. این به گمانم دستاورد مهم علیرضا صادقی برای مطالعات تهی‌دستان در ایران است؛ مطالعاتی که، اگر نه تمامی که بخش زیادی از آنها، در تقلاهای فردی و جمعی محروم‌شدگان، و عمل و کردار عادی و معمولی آنان در متن زندگی روزمره، هر چیزی دیده‌اند جز عاملیت. صادقی اما در پرتیس زندگی غیررسمی این گروه‌ها، برخاسته از ضرورت‌های بقا، یک هستی اجتماعی همراه با خودمختاری، انعطاف‌پذیری و عمل‌گرایی می‌بیند، و با نظر کردن به امر محلی به عنوان عرصه‌ی مهم نبرد و مقاومت، سیاست‌زدایی از عاملیت تهی‌دستان را نقد می‌کند. فقرپژوهی در ایران، سال‌های سال، از تولید اجتماعی تهی‌دستان شامل شیوه‌ی زندگی، مقاومت‌های روزمره و فعالیت‌شان در مشاغل غیررسمی چشم پوشیده، یا بهره‌کشانه با آن مواجه شده است. بدین‌سان، همان‌طور که مؤلف کتاب گفته است، با ساختن هویت‌های آسیب‌شناختی برای افشار فرودست و نزدیک‌شدن به گفتمان‌های متعارف درباره‌ی گروه‌های فاقد امتیاز، این گروه‌ها «درون یک نظام تمایزگذاری خاص، سوژه‌ی نظم تصاحب‌گر بازار» شده‌اند. بازارزدگان اما پذیرنده‌ی منفعل فرامین فرادستان نیستند و در کردارهای پیش‌پافتاده و آرام روزمره در مواجهه با تهاجم نیروی دولت، بازار و گروه‌های برخوردار به زیست اجتماعی و معیشتی‌شان، نقش خود را بر تغییرات اجتماعی وسیع‌تر حک می‌کنند.

صادقی از چشم‌انداز منافع طبقات پایین به تحلیل سیاست‌های خرد، محلی، عینی و مستقیم آنان پرداخته و تنش‌های ناشی از بازاری‌کردن قلمروهای اجتماعی را زمینه‌ساز رفتارهای ضد قدرت فرودستان شهری دانسته است. از دل همین رفتارها و نفوذ نسبی به ساختارهای موجود، ایدئولوژی نخبگان حاکم در متن یک مبارزه‌ی دائمی بر سر دفاع از منافع مادی، معنای معینی می‌یابد. ناجنبش تهی‌دستان شهری، یا نسخه‌ی پنهان مقاومت‌شان درون عرصه‌های اجتماعی غیررسمی، هم دفاعی است و هم میل به پیشروی دارد، و این واقعیت متناقض و ناهمگن حیات تهی‌دستان و پویایی رابطه‌ی قدرت بین آنها و مقامات مسئول، منبع مهم تحلیل زیست‌شان است. در برابر پیشروی افسارگسیخته‌ی بازار و دست‌درازی بی‌هیچ مرزگذاری‌اش به معیشت تهی‌دستان، و در کار نبودن تشکیلاتی که نارضایتی‌شان را به گفتمانی سیاسی گره بزند، آنها ناگزیر از آن بوده‌اند که تن به راهکارهای محتاطانه‌تر و واقع‌بینانه‌تر بسپارند. هدف تهی‌دستان، در بیشینه‌ی موارد، نه مبارزه‌ی جمعی و آگاهانه‌ی اقتصادی-سیاسی با دولت، که تقلایی معمولی و بدیهی‌انگاشته‌شده برای کسب دستاوردهای فوری و عینی، تخفیف تنگناها و درد و رنج‌شان، و خلاصی از ریاضت‌کشی است. شاید این هم از کارکردهای پوپولیسم است که مردم عادی را وامی‌دارد تا برای جلب حمایت، به شیوه‌ی فردگرایانه با مقامات ارتباط برقرار کنند و به این ترتیب، میلیون‌ها فقیر،

نامرئی و جدا از هم باقی بمانند؛ پوپولیسمی که خاصه در نسخه‌ی راست‌گرایانه‌اش، به تعبیر هارت و نگری، «تهی‌دستان و فرودستان جامعه را - به اسم مردم - علیه نخبگان بسیج می‌کند اما رهاوردش چیزی جز حفظ یا بازآوری سلسله‌مراتب‌های اجتماعی نیست، و در واقع «از انرژی توده‌ها برای تقویت قدرت نخبگان استفاده می‌کند.»<sup>۱</sup> سیاست طبقات فرودست در برابر نظام بازارگرایی خشن و بی‌رحم و دیوان‌سالاری دولتی ناکارآمد و تمامیت‌خواه، البته که به شبکه‌های اجتماعی غیررسمی نیز راه می‌برد. تهی‌دستان شهری با برقرار کردن روابط و نهادهای بدیل، خودمانی یا غیررسمی (شبکه‌های گذران زندگی)، به شکل عمل‌گرایانه، نه ایدئولوژیک و ضرورتاً آگاهانه، شکل خاصی از تأمین معیشت را درون بازار دست‌وپا می‌کنند. این عمل، صرفاً حاصل خلاقیت رانده‌شدگان از بازار نیست بلکه رهاورد گردش و انباشت سرمایه و از الزامات شهری‌شدن سرمایه هم هست. وقتی دولت از وظایف اجتماعی‌اش کنار می‌کشد و بازار، زندگی تهی‌دستان را به جهنم بدل می‌کند، قلمروهای بدیلی برای بقای این گروه‌ها شکل می‌گیرد یا گسترش می‌یابد، هرچند این قلمروهای بدیل غیررسمی نیز از تعدی فزاینده‌ی نیروهای بازار در امان نیست.

نویسنده‌ی کتاب *زندگی روزمره‌ی تهی‌دستان شهری*، اقبال فرودست را نه یکسره قربانی منفعل تحولات ساختاری، بلکه در کارزاری دائمی با رژیم خلع‌ید نولیبرال برای بقا در نظر گرفته است. غیررسمی‌بودن اگرچه انتخاب مطلوب تهی‌دستان شهری نیست، به نیروی محرکه‌ی مهمی برای مقاومت‌شان رویاروی نظام‌های رسمی و بوروکراتیک بدل شده است؛ شاید تهاجم ویرانگر نولیبرالیسم، بذر خوداتکایی و مسئولیت‌پذیری شخصی را نیز درون این گروه‌ها پرورانده است. در پیکره‌ی اجتماعی - فضایی‌ای که هنوز به تملک و انحصار کامل ذی‌نفعان قدرتمند درنیامده است، جدوجهد تهی‌دستان برای بازپس‌گیری حق به شهر در برابر نیروهای دولت و بازار، شهر غارتگر نولیبرال را به جایی تبدیل کرده که در خودش نیروی خلق زیست‌جهان‌های موازی را نیز حمل می‌کند.

کتاب *علیرضا صادقی*، ادامه‌دهنده‌ی سنت فکری آصف بیات (به‌ویژه کتاب *سیاست‌های خیابانی: جنبش تهی‌دستان در ایران*) است؛ با این پرسش محوری که در مقایسه با پژوهش بیات در دهه‌ی ۶۰، سیاست تهی‌دستان چه تغییراتی داشته است. هر دو محقق، از تأثیر اقدامات معمولی مردم عادی بر دگرگونی اجتماعی سخن گفته‌اند، تغییرات محلی را مهم دیده‌اند، و شکل‌های روزانه‌ی مقاومت در برابر هجوم گروه‌های فرادست را برجسته کرده‌اند. در دیدگاه بیات، تهی‌دستان «در کنار گریز از رویه‌های محدودکننده‌ی مدرنیته، از ابعاد رهایی‌بخش آن استقبال می‌کنند.»<sup>۲</sup> بیات به تغییر شکل‌های مقاومت هرروزه توجه کرده و اساساً تغییر را به‌عنوان پیامد سیاست فرودستان در نظر گرفته است. وی ضمن

<sup>۱</sup> Michael Hardt and Antonio Negri, *Assembly*, (New York: Oxford University Press, 2017) p. 51.

<sup>۲</sup> آصف بیات، *سیاست‌های خیابانی: جنبش تهی‌دستان ایران*، ترجمه‌ی اسدالله نبوی چاشمی (نشر پردیس دانش، ۱۳۹۳) صفحه‌ی ۳۲.

مواجهه‌ی انتقادی با دیدگاه‌های متعارف درباره‌ی تهی‌دستان مثل فقیر منفعل، استراتژی‌های بقا، و جنبش‌های اجتماعی شهری، نظریه‌ی پیشروی آرام مردم عادی (برخاسته از موقعیت اجتماعی آن‌ها و ساختار فرصت‌های‌شان) را صورت‌بندی کرده است. صادقی نیز پایه‌ی کار را بر همین تفکر گذاشته و البته متغیرهای جدیدی به این معادله افزوده است. محض نمونه، طرح مفهوم پوپولیسیم نولیبرال برای تبیین تفاوت‌های زیست‌تهی‌دستان در دهه‌های ۶۰ و ۹۰، و پاسخ به این پرسش که آیا ایران را می‌توان جامعه‌ای نولیبرال‌شده دانست؟ تصویب قانون هدمندی یارانه‌ها و آزادسازی اقتصادی در سال ۸۹، زمینه‌ی تاریخی کار صادقی برای افزودن و پروبلماتیزه کردن نسبت نولیبرالیسم با زندگی روزمره‌ی تهی‌دستان شهری شده است. بیات برخلاف پسا‌ساختارگرایان (که قدرت را نامتمرکز و در گردش می‌بینند) معتقد است که قدرت را باید متراکم‌تر دید، اما چون پژوهش خود را زمانی انجام داد که هنوز بازاری کردن جامعه چنین فراگیر و ویرانگر نشده بود، قدرت بازار را کم‌تر از حد واقعی آن ارزیابی کرد. این البته از ارزش کار روشنگرانه‌ی بیات کم نمی‌کند. وی با نقد ذاتی کردن مفهوم انسان حاشیه‌ای، این مفهوم را حاصل علاقه‌ی ایدئولوژیک به برساختن یک دیگری برای گروه‌های بهنجار مثل طبقات متوسط شهری دانست، و نقطه‌ی تمایز زیست‌جهان تهی‌دستان را نه فرهنگ ذاتی‌شده‌ی فقر بلکه زندگی غیررسمی خواند. بیات به سازمان نیافته بودن تهی‌دستان اشاره کرده و گفته سیاست‌های آنان به شکل عمل فردی در زیست‌جهان‌های فرعی ظاهر می‌شود. از سوی دیگر، صادقی با رد دوگانه‌ی انقلاب/انفعال در مورد تهی‌دستان، به مقاومت مسالمت‌آمیزشان نظر کرده است. اگر بیات، رفتار تصرف‌کنندگان املاک و اشغال‌کنندگان خانه‌ها، آپارتمان‌ها و هتل‌ها را به‌مثابه نوعی پیشروی افقی شرح کرده و دستفروشان را شورشیان خیابان نامیده است، صادقی از «شورش آرام نان»، «پیشروی عمودی» (افزودن به طبقات خانه)، و خیریه‌ای شدن بقا در کنار کارکرد خیریه‌ها برای حکومت‌مندی سخن گفته و «موتورسواران معیشتی» را شورشیان جدید خیابان معرفی کرده است. کار هر دو محقق، نوعی تاریخ از پایین بر مبنای جمع‌آوری اطلاعات از فرودستان و تهی‌دستان است؛ همان چیزی که یرواند آبراهامیان در مقدمه‌ی ترجمه‌ی فارسی کتاب *تکوین طبقه‌ی کارگر در انگلستان* به آن اشاره کرده است: «اهمیت وارسی جزئی‌نگرانه‌ی زیست این گروه‌ها در متن تغییرات اقتصادی-اجتماعی-سیاسی». تاریخ از پایین، ناظر به «دیدگاه مردم عادی و گروه‌های به‌حاشیه‌رانده شده» است و «با برجسته کردن حس توهین‌دیدگی مردمان، حقیقت را به صاحبان قدرت می‌گوید».<sup>۳</sup>

---

<sup>۲</sup> آدوارد پالمر تامپسون، *تکوین طبقه‌ی کارگر در انگلستان*، ترجمه‌ی محمد مالجو، (نشر آگاه، ۱۳۹۵) صفحه‌های ۱۰ و ۹.

رویکرد میدانی اصلی علیرضا صادقی، مردم‌نگاری است. «مردم‌نگاری، واکنشی خلاقانه به واقعیت روزمره است؛ واقعیت روزمره‌ی مورد مطالعه، و واقعیت روزمره‌ای که شرایط مطالعه را شکل می‌دهد.»<sup>۴</sup> این رویکرد، بدون بهره‌جستن از انواع داده‌ها، نارسا از کار درمی‌آید. «تقریباً هر چیزی، تا زمانی که درون مجموعه‌ای از پراکنش‌ها و معانی فرهنگیِ مختص یک گروه معین تعریف می‌شود، می‌تواند داده‌ی مردم‌نگارانه باشد.»<sup>۵</sup> مؤلف این کتاب برای اعتباردادن به یافته‌های تحقیق از مصاحبه، مشاهده، تحلیل اسناد، مقالات و کتاب‌ها، گزارش‌های رسمی، مکاتبات اداری، وبسایت‌ها، آرشیو روزنامه‌های محلی و ملی، فیلم‌ها و برنامه‌های تلویزیونی، نامه‌های تهی‌دستان به مقامات دولتی و همچنین پرسشنامه استفاده کرده است. در شرایطی که دسترسی به داده‌ی معتبر در بسیاری از زمینه‌های مطالعاتی به‌سادگی میسر نیست، رد پای چندبعدی‌سازی داده‌ها در این کتاب به‌خوبی دیده می‌شود، و من، برخلاف دیدگاهی که روزنامه‌ها را منبع معتبری نمی‌داند، معتقدم که اگر مطالب پرشمار روزنامه‌ای نمی‌بود، غنای یافته‌های کتاب تا این اندازه نبود. حقیقت این است که داستان‌های متفاوتی درباره‌ی یک موقعیت می‌توان بیان کرد و این پژوهش/روایت، صرفاً یکی از داستان‌ها درباب جهان اجتماعی است. رویکرد همدلانه‌ی محقق به گروه‌های مورد مطالعه، کمابیش به این دلیل است که «بسیاری از کارهای مردم‌نگارانه، واجد نوعی پای‌بندی سیاسی یا عملی [به موضوع مورد بررسی] فراتر از تولید دانش مرتبط با ارزش است.»<sup>۶</sup> مردم‌نگاری انتقادی به‌مثابه مطالعه‌ی بازاندیشانه‌ی رنج و نابرابری اجتماعی، نسبتی با عینیت‌کلیشه‌ای پژوهش علوم اجتماعی ندارد، و موضع فاصله‌دار محقق در علوم اجتماعی، با بنیادهای رهایی‌بخش آن ناسازگار است. چنین پژوهشی «به پویایی‌شناسی قدرت نظر می‌کند که ذاتی اعمال اجتماعی خرد (micropractices) است». این روش، «برداشت‌های سنتی درباره‌ی ارزش‌یابی کیفیت تحقیق را از نو چارچوب‌بندی می‌کند و اعتبارش به این بستگی دارد که چه قدر به فهم یا مقاومت در برابر شکل‌های گوناگون هژمونی کمک می‌کند و تا چه حد در خدمت تغییر اجتماعی قرار می‌گیرد.»<sup>۷</sup> در واقع، در این روش با کنترل عضو یا اعتبار پاسخ‌گو و همچنین اعتبار بازاندیشی سروکار داریم نه معیارهای سنتی اعتبار.

پروژه‌ی آزادسازی قیمت‌ها در سال ۸۹، که پژوهش علیرضا صادقی به بخشی از لایه‌های زیرین آن راه برده است، ابعاد حیرت‌انگیزی به نولیب‌الیسم در ایران داد: «مهم‌ترین اصل نولیب‌الیسم این است:

<sup>۴</sup> نهال نفیسی، «مردم‌نگاری و نیم‌قرن تغییر و تحول در فرهنگ حرفه‌ای انسان‌شناسی»، مجله‌ی پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، سال اول، شماره‌ی اول، ۱۳۹۰، صفحه‌ی ۷۴.

<sup>۵</sup> Margaret D. LeCompte and Jean J. Schensul, *Designing & Conducting Ethnographic Research*, (Maryland (Lanham): Alta Mira Press, 2010).

<sup>۶</sup> Martyn Hammersley, *Ethnography: Problems and Prospects*, (Ethnography and Education, 2006, Vol. 1, No. 1) p. 14.

<sup>۷</sup> Urmitapa Dutta, "Ethnographic Approaches", in Leonard Jason and David Glenwick (eds.), *Handbook of Methodological Approaches to Community-Based Research*, (New York: Oxford University Press, 2016).

بازار به ما می‌گوید حقیقت چیست. این یک مسأله‌ی معرفت‌شناسانه است و نه صرفاً اقتصادی. در همه‌ی دولت‌های پس از جنگ، وقتی دولتمردان می‌گفتند دولت نباید در کار مردم دخالت کند مقصودشان این بود که دولت نباید در کار بازار آزاد دخالت کند. نولیبرال‌های وطنی حتی معتقدند که مردم هم نباید در کار بازار دخالت کنند.<sup>۸</sup> مجموعه سیاست‌های تعدیل ساختاری، خصوصی‌سازی و آزادسازی قیمت‌ها که پس از جنگ برای روشن کردن موتور انباشت سرمایه به کار بسته شد به «اختلاف‌های طبقاتی حاد و احتمالاً بی‌سابقه در تمامی طول تاریخ معاصر»<sup>۹</sup> انجامیده است. ظرف سال‌های گذشته، رها کردن بخش اجتماعی در دست نیروهای بازار آزاد با هدف تغییر کلان‌مقیاس نقش دولت، «جنبه‌های ضمنی عمیقی برای زیست تهری‌دستان و تجربه‌های دسترس‌پذیرشان به همراه داشته است.»<sup>۱۰</sup> وقتی «دولت، با تمام قدرت، حامی انباشت از راه سلب مالکیت می‌شود و آن را هزینه‌ی ضروری برای رسیدن به پیشرفتی بزرگ در توسعه‌ی سرمایه‌دارانه تلقی می‌کند»،<sup>۱۱</sup> طبق معمول، این تهری‌دستان هستند که هزینه‌ی بیش‌تری می‌پردازند. با کالایی‌شدن امر شهری، «فضای شهری به ابژه‌ی بسیار فراگیر شکل‌گیری ارزش مازاد تبدیل می‌شود»<sup>۱۲</sup> و «فضای کالایی‌شده‌ی شهر سرمایه‌دار به‌مثابه تعیین‌کننده‌ی کلیدی پرکتیس‌های شهری» عمل می‌کند.<sup>۱۳</sup> «وقتی قرار باشد جذب مازاد سرمایه از طریق تغییر شهر صورت بگیرد، و کیفیت زندگی شهری، همچون خودِ شهر، هرچه بیش‌تر به کالا تبدیل می‌شود، تهری‌دستان، محرومان و رانده‌شدگان از قدرت بیش از دیگران از کشمکش‌های غالباً طبقاتی آسیب می‌بینند.»<sup>۱۴</sup> زیست‌جهان و سیاست‌های تهری‌دستان را از جمله باید در چنین زمینه‌ای تحلیل کرد. تقلای آن‌ها بخشی از «سیاست گسترده‌ی مقاومت در برابر نولیبرالیسم و سرمایه‌داری در سراسر جهان» است.<sup>۱۵</sup>

اگرچه «در کشاکش بین آنچه برای افراد خوب است و آنچه برای انباشت سرمایه خوب است، اولویت به نیازهای سرمایه داده شده است»،<sup>۱۶</sup> واکنش اقشار تهری‌دست به این وضعیت، انفعال و انتظار

<sup>۸</sup> یوسف ابادزی، «نولیبرال‌های ایرانی را دست‌کم نگیرید»، سخنرانی در همایش عقلانیت و اعتدال در جهان معاصر، روزنامه‌ی صبح نو، شماره‌ی ۱۲۶، ۲۵ آبان ۱۳۹۵، صفحه‌ی ۱۳.

<sup>۹</sup> پرویز صداقت، «شاهد دیکتاتوری نولیبرال‌های اقتصادی در کشور هستیم»، گفت‌وگو با «قانون»، پایگاه فرارو (fararu.com)، ۷ دی ۱۳۹۲.

<sup>۱۰</sup> Serena Romano, *Moralising Poverty: The Undeserving Poor in the Public Gaze*, (London and New York: Routledge, 2018).

<sup>۱۱</sup> دیوید هاروی، *امپریالیسم جدید*، ترجمه‌ی حسین رحمتی، (نشر اختران، ۱۳۹۷) صفحه‌ی ۱۵۳.

<sup>۱۲</sup> نیل برنر، پیتز مارکوزه و مارگیت مایر، *شهرها برای مردم نه برای سوداگری*، ترجمه‌ی محمود عبدالله‌زاده، (دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۹۶) صفحه‌ی ۹۷.

<sup>۱۳</sup> سیمون پارکر، *نظریه‌ی شهری و تجربه‌ی شهری*، ترجمه‌ی حمیدرضا تلخابی و فرخ مهرآیین، (نشر تیسرا، ۱۳۹۷) صفحه‌ی ۲۴۰.

<sup>۱۴</sup> دیوید هاروی، *عدالت اجتماعی و شهر*، ترجمه‌ی محمدرضا حائری، (سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران، ۱۳۹۵) صفحه‌های ۳۷۴ و ۳۷۶.

<sup>۱۵</sup> دیوید هاروی، *فضاهای امید*، ترجمه‌ی علیرضا جباری، (نشر افکار، ۱۳۹۵) صفحه‌ی ۳۲۶.

<sup>۱۶</sup> آندری ژلنیتس، *فضا و نظریه‌ی اجتماعی*، ترجمه‌ی آیدین ترکمه، (انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۶) صفحه‌ی ۲۴۷.

نبوده است. کتاب علیرضا صادقی، تأییدی بر این جملات اسکات است: «فروستان، در ساختارهای وسیع انقیاد، زندگی اجتماعی گسترده‌ای دارند که بیرون از دایره‌ی کنترل بی‌واسطه‌ی فرادستان است. آن‌ها شاید آشکارا به شرایطشان اعتراض نکنند اما در پس پرده به ایجاد و دفاع از فضای اجتماعی‌ای می‌پردازند که مجال مخالفت با روایت‌های رسمی را فراهم می‌آورد.»<sup>۱۷</sup> شاید سرپا ماندن جامعه در چنین وضعیتی به این دلیل است که «توانسته قوانین انباشت سرمایه را در راستای بازتولید خود تحمیل کند»<sup>۱۸</sup> اما آیا این به معنای تقلیل مقاومت در برابر اثرات مخرب اندیشه‌ی نولیبرال هم هست؟ گمان نمی‌کنم. ادامه‌ی این مقاومت، چه چیزی عاید تهی‌دستان خواهد کرد؟ پاسخ مشخصی وجود ندارد. آیا شاهد «جنبشی در جهت گذارِ ضدسرمایه‌داری» هستیم یا «نوعی نولیبرالیسم بازسازی‌شده»<sup>۱۹</sup> انتظارمان را می‌کشد؟ این هم نامعلوم است. تنها چیزی که قطعیت دارد ضرورتِ ادامه‌ی پژوهش‌هایی از این دست برای غنا بخشیدن به مطالعات فروستان در جامعه‌ی ایران است.

---

<sup>۱۷</sup> جیمز اسکات، *سلطه و هنر مقاومت: روایت‌های نهانی*، ترجمه‌ی افشین خاکباز، (نشر مرکز، ۱۳۹۶) صفحه‌ی ۳.

<sup>۱۸</sup> دیوید هاروی، *شهری شدن سرمایه: چرخه‌ی دوم انباشت سرمایه در تولید محیط مصنوع*، ترجمه‌ی عارف اقوامی مقدم، (نشر اختران، ۱۳۸۷)

صفحه‌ی ۶۳.

<sup>۱۹</sup> دیوید هاروی، *از حق به شهر تا شهرهای شورشی*، ترجمه‌ی خسرو کلانتری و پرویز صداقت، (نشر آگاه، ۱۳۹۵) صفحه‌ی ۲۲۴.